

## نمود پیامدهای ناامنی ایلغار مغولان و تیموریان در سیستان براساس نظریه‌ی مکتب کپنهاک

### منیر آریا

دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

### شهربانو دلبری

استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

### اردشیر اسدیگی

استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

## فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۸ شماره ۶۹- صفحه ۲۹-۱

### تاریخ دریافت آخرین نسخه: ۱۴۰۱/۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۵

چکیده

سیستان در طول تاریخ در زمینه فعالیت‌های معیشتی، اقتصادی و کشاورزی بعنوان "انبارغلات" دارای فراز و فرودهایی بوده است که در این مقاله محققان به "بررسی رابطه ایلغار مغولان و تیموریان با گسترش ابعاد ناامنی در سیستان" با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و روش تحقیق تاریخی-تحلیلی انجام خواهند داد. یافته‌های تحقیق براساس نظریه‌ی امنیتی مکتب کپنهاک نشان می‌دهد، انواع ناامنی توسط مغولان و تیموریان در ابعاد پنجگانه زیر نمود یافته است

- ۱- ناامنی سیاسی: تبعید حاکمان محلی، گماشتن افراد بی‌کفایت در راس امور، نبود امنیت جانی و شغلی، نیست و نابود کردن هرگونه حیات سیاسی شهرهای مغلوبه، ۲- ناامنی نظامی: مهاجمان با سرکوب حکومت‌های محلی و ونابودی منابع نظامی شهرهای ویران شده، ایجاد سپر انسانی از اسیران، سربازگیری اجباری و تعیین حق علوفه برای عبور لشکریان، ۳- ناامنی زیست محیطی: نابودی زیست بوم، کشتار گروهی، نسل‌کشی و آتش زدن جانوران و گیاهان و تخریب سدها، ۴- ناامنی اجتماعی: کوچ اجباری منابع انسانی، رواج دروغ، ربا، مفاسد اخلاقی، گماشتن افراد نالایق در امور مهم جامعه، بهادادن به خربندگان و اوباشان، ۵- ناامنی اقتصادی: نابودی مزارع، تخریب نظام آبیاری، تعیین انواع مالیات، بیگاری گرفتن شهروندان، مصادره اموال و گسترش ربا و رباخواری، توسط مغولان و تیموریان ابعاد پنجگانه امنیت را مورد تهدید و نابودی قرار داده بودند.

کلید واژه: مغولان، ایلغار، تیموریان، کپنهاک، سیستان

## مقدمه

در تاریخ حیات اجتماعی جامعه بشری ابعاد مختلف امنیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و زیست محیطی در اثر جنگ‌ها و کشورگشایی‌ها مورد تهدید و نابودی قرار گرفته و یکی از این تهدیدها ایلغار مغولان و تیموریان با گسترش مولفه‌های ناامنی در نواحی شرقی ایران از جمله آن "سیستان" می‌باشد که در این دوران وحشت و ترس مورد غارتگری و نابودی قرار گرفته است. سیستان در محدوده قدیم خویش، که بنا بر نوشته ملک شاه سیستانی از خاور به کشمیر، از باختر به کرمان و از شمال به اسفزار و از جنوب به سند (سیستانی ملک شاه، ۱۳۴۴ص ۱۸) می‌رسیده، سرزمینی گسترده بوده است. این محدوده با اندکی نوسان تا روزگار پادشاهی قاجاران نیز برجا بوده است. در یکی از باارزش‌ترین تاریخ‌نگاری‌های روزگار صفویان، قلمرو دولت صفوی در شرق، کرمان و سیستان ذکر شده است. (ترکمان، ۱۳۵۰: ج ۲ ص ۹۵۸) درباره سیستان تواریخ محلی و منطقه‌ای متعددی نوشته شده و نویسندگانی مانند: مؤلفان تاریخ سیستان، احیاء الملوک و شجره الملوک، اوضاع و اوصاف جنایات جهان‌گشایان را به تصویر کشانیده‌اند. سیستان از دوران داستانی و باستانی تا امروز گرفتار کشمکش‌های سرحدی و حمله‌های اقوام تورانی، مغول، تیموری، ترکمان، ازبک، غز و افغان بوده است، در قرن هفتم و هشتم ق، باتهاجم و حکمرانی مغولان و تیموریان، اخلاق و رویه‌های اجتماعی و فردی مردم ایران تغییرات قابل توجهی در زمینه امنیت و ثبات اقتصادی و اجتماعی نموده بود. با توجه به اهمیت مباحث فوق مسئله محققان در این مقاله، بررسی تاریخی و تبیین تأثیرگذاری مغولان و تیموریان در حوزه‌های امنیتی گوناگون همچون امنیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تأثیرات این حوزه‌ها بر دگرگون‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه سیستان، "براساس نظریه‌ی امنیت مکتب کپنهاگ"، با بررسی محتوای متون تاریخی دوران مذکور می‌باشد. شیخ سمنانی - که مدتی عهده دار مقام دیوانی مغولان بوده است - پیرامون ابعاد ناامنی نوشته، وقتی مغولان به ایران تاختند: "اهل صلاح جلای وطن کردند. ضعیفان

پایمال جهان خواران شدند. بزرگان به گدایی درافتادند. لثیمان، خرابات را معمور کردند. علما مدارس را معطل گذاشتند و ترک علم کردند. "ما معرفت می گوئیم." "القصه، هریک به شومی هوی، کمر متابعت سلطان (مغول) بستند و جهان ویران کردند." (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶ ص ۲۶۵) از دیدگاه تاریخ نویسی، حیات امنیت اجتماعی مردم سیستان در دو بعد قابل بررسی است: بعد اول: رونق امنیت در سیستان و بلوچستان و در بعد دوم: رکود و افت امنیت در سیستان و بلوچستان. در این تحقیق افت و رکود ابعاد امنیت در سیستان، دوره های مغولان و تیموریان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با در نظر گرفتن موارد مطرح شده در پژوهش حاضر پرسش های زیر بعنوان متغیرهای اصلی مطرح می شوند: ۱- علل رکود تولیدات کشاورزی و افت اقتصادی سیستان در قرون هفتم و هشتم ق، ناشی از چه عواملی بوده اند؟ ۲- آیا بین بلایای اجتماعی از قبیل: شیوع بیماری های وبا و طاعون، خشکسالی های پیاپی، تخریب سیستم آبیاری و به انزوا کشیدن جغرافیای سیستان با پیامدهای ایلغار مغولان و تیموریان رابطه داشته است؟ ۳- براساس نظریه مکتب کپنهاگ، مغولان و تیموریان چگونه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نظامی امنیت را در نواحی سیستان مورد تهدید قرار داده بوند؟

بنابراین اهداف محققان با توجه به سوالات فوق در این پژوهش به بررسی رابطه ایلغار مغولان و تیموریان با گسترش ناامنی اجتماعی و اقتصادی در سیستان براساس نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ خواهند پرداخت. لذا برای تحلیل اوضاع اجتماعی و اقتصادی این مناطق در تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهش حاضر تلاش می کند این جنبه از تاریخ انتظامی، امنیتی و اقتصادی را با طرح این پرسش که: آیا ایلغار مغولان و تیموریان با گسترش انواع ناامنی در سیستان رابطه مستقیمی داشته است؟ بررسی کند. فرضیه تحقیق عبارت از: به نظر می رسد پیامدهای ایلغار مغولان و تیموریان با مولفه های ناامنی چون: تداوم قحطی ها، گرانی مواد غذایی، رشد انواع فقر اجتماعی، کمبود نان، شیوع بیماری های وبا و طاعون، گسترش اختلافات ارضی و آبی میان روستاییان منطقه سیستان رابطه مستقیم و تاثیرگذاری داشته که در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق، تحلیلی-تاریخی به تحلیل و گردآوری اطلاعات پرداخته می شود.

واژه امنیت در فرهنگ های لغت به معنای رهایی از خطر، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید ، مشوش نبودن یا فقدان اطمینان آمده و در اصطلاح ، فراهم شدن حالت یا شرایطی در جامعه است که افراد در آن احساس آرامش خاطر کنند(ولیدی،۱۳۷۸ص ۵۴).

نظریه پردازان این مکتب افرادی همچون "مک سوئینی، الی ویور و باری بوزان" می باشند. مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی بر آثار و نقطه نظرات باری بوزان، الی ویور و دووید و دیگران به کار برده است. این مکتب با توجه به اینکه کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار گشته، جزء اولین رهیافت هایی است که در راستای پایه گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی می باشد. این تلاش بوزان و همکارانش توجه آنان را به خارج نمودن مسائل امنیتی از دایره تنگ نظامی نشان می دهد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۲ص ۱۳۱) باری بوزان در خصوص امنیت معتقد است که بایستی امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود و از نظر وی امنیت در نبود مسأله دیگری به نام تهدید درک می شود، او می گوید: «امنیت را باید چندبعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان های جنائی فراملی و فراملی، اجتماعی، نظامی ، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می شود».

از دیدگاه باری بوزان به سه دلیل، تحلیل امنیت منطقه ای در یک محیط امنیتی چند بخشی نیازمند رویکرد چند وجهی خواهد بود: نخست، در هم تنیدگی طبیعی بخش های مختلف (سیاسی، نظامی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی). دوم، تمایل سیاست سازان به ارتباط موضوعات مختلف به یکدیگر در یک تصویر و سوم اینکه نهادهای امنیتی در یک منطقه می کوشند موضوعات و مسائل را در چارچوب ژئوپلیتیک خود مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند. به نظر می رسد مکتب کپنهاگ به عنوان یک الگوی مناسب و مفید برای درک هر چه بیشتر مسائل امنیتی در ابعاد پنجمانه: سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و نظامی در پژوهش های تاریخی مورد استفاده قرار گیرد و بر مسائلی چون، مهاجرت اجباری و فرار مغزها، فعالیت اقتصادی و کشاورزی ، طبیعت، هویت،

تاریخ، فرهنگ و هنجارها توجه داشته و در بسیاری از زمینه‌های مطالعات امنیتی در قلمرو تاریخ راهگشا تلقی شود.

حال با توجه به محتوای بحث به بررسی آثار ادیبان و مورخان پیرامون تأثیرگذاری نامطلوب دوران حاکمیت مغولان و تیموریان، بر منش، اخلاق و رفتار بخصوص در زمینه‌های فعالیت اقتصادی، کشاورزی و معیشتی مردم سیستان، بطور خلاصه اشاره می‌شود:

نعمتی لیمایی (۱۳۹۵)، به رابطه فراز و فرود فرهنگ و اقتصاد در ایران با تهاجم مغولان به ایران اشاره نمود. ایمانی ورجبی (۱۳۹۲)، بررسی تحولات سیاسی خاندان‌های حکومت‌گر بر سیستان؛ با تکیه بر خاندان کیانی. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است اکثر فاتحانی که بر ایران و به تبع آن بر سیستان سیطره یافتند، حکومت کیانیان را بر سیستان تأیید کردند.

اشراقی و شادپور (۱۳۸۹) در تحقیقشان اشاره به انواع اخذ مالیات توسط ایلخانان و رابطه‌شان با افول کشاورزی داشتند.

عدالت (۱۳۸۹)، در پژوهش "فرضیه فاجعه‌زدگی: تأثیرپایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی اجتماعی و علمی ایران"، به نتایج زیر اشاره نمود: "بنابه روایات مورخان و شعرای زمان، پس از حملات مغول ما شاهد دوران بسیار تاریکی از سقوط پایه‌های اخلاقی در خانواده و اجتماع و رواج بی‌کرامت‌گری، دورویی، خیانت و منازعات خونین خانوادگی و اجتماعی از یک طرف و رشد بی‌حدوحصر بزهکاری، روسپی‌گری، زن‌بارگی، غلام‌بارگی، مردبارگی و اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر بوده ایم که همگی نتیجه‌ی ازهم‌گسیختگی تاروپود اجتماعی ایران در فاجعه‌ی ایلغار مغول محسوب می‌شود" (عدالت، ۱۳۸۹، ص ۲۳۸).

علمداری نوشت: "به نظر می‌رسد صدمات روحی و فرهنگی حمله‌ی مغول به ایران بیش از تخریب فیزیکی و خسارات مادی آن بود در واقع، قرون وسطای ایران از این مقطع آغاز گردید

استاد زیبا کلام در تحقیق ما چگونه ما شدیم؟ "افول یا انحطاطی که از اوایل قرن یازدهم م، با هجوم اولین دسته‌های قبایل آسیای مرکزی (سلجوقیان) به ایران آغاز گردید، تا اواسط قرن سیزدهم به دست مغولان به اوج خود رسید و کامل شد؛ افولی که نتیجه‌ی منطقی آن، ایران قرن نوزدهم شد

## بحث

نمود پیامدهای ناامنی هجوم مغولان در سیستان براساس نظریه‌ی مکتب کپنهاگ در این دوران پر آشوب و پرماجرا ویرانکاران مغول و تاتار و دیگر زردپوستان وحشی یا نیم وحشی آسیای مرکزی تاخت و تازهای پیاپی بلاخیز در ایران کردند و قسمت بزرگی از فلات پهناور ایران را در هم کوفتند و بسیاری از بلاد را چنان ویران ساختند که دیگر جز نامی از آنها در صحایف کتب باقی نماند. کشتارهای بی‌امان و قتل عام‌های پی‌درپی، شکنجه‌ها و آزارها، ساختن مناره‌ها از سرهای آدمیان، برپا داشتن دیوارها از صف‌های اسرا همراه آجر و گچ، سربریدن و مثله کردن، تخطی بنوامیس مردم بی‌دفاع، دزدی و غارت، ترویج انواع مفاسد و معایب، دروغ و تزویر، مخالفت با شرع و اخلاق و انسانیت، و نظایر این فجایع سرلوحه بسیاری از اعمال و افعال و حوادثی است که درین دوره طولانی نزدیک به دو قرن رخ داد. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳، بخش ۱ ص ۲). به عبارتی این حادثه، نوسان و دگرگونی بسیاری را در مسیر تاریخ سبب گردید و در هر زمینه از تاریخ نقش موثر و قابل تاملی در تهدید ابعاد امنیت ایفا نمود.

از نظر مکتب کپنهاگ سیاست به معنی‌های گوناگونی آمده است. از جمله شدت، حدت، قدرت، ولی بهترین معنی عبارت از «تدبیر» و به کار گرفتن آن در رهبری و هدایت امور است. به عبارت دیگر مدیریت صحیح در امور کشورداری یا اجتماع است (غلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶). معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند در تاریخ ایران. عناصر مشروع قدرت سیاسی از قبیل: شرع، خون و مالکیت را دارا باشند.

مغولان، بعد از حرکت از مغولستان به قصد تصرف ممالک، سه جهت اصلی را در پیش گرفتند؛ چین و ایران و سبیری. در همه جا نیز کما بیش یکسان عمل کردند؛ به صورتی که کشتار بی‌رحمانه ویرانی گسترده و تاراج همه جانبه وجه مشترک این حمله‌ها بود. نخستین و بدیهی‌ترین نتیجه تهاجم مغولان به ایران نابودی امنیت سیاسی، کاهش جمعیت شهری و روستایی ایران به سبب قتل عام،

برده و اسیر و گرفتن مردم و فرار بقایای آنان و ترک مناطقی که در گذشته پر جمعیت بود. ( جوینی ، جهانگشای، ۱۳۸۵ ص ۱۷) میان سال‌های ( ۶۱۷ تا ۶۵۶ ه. ق ) جمعیت ایران بسیار تقلیل یافت و بیشترین صدمه را هم نواحی شمالی و شرقی ایران از جمله سیستان دیدند .

جوینی پیرامون سقوط ثبات امنیتی ایران و آن شکوه اکاسره و شهریاران می‌نویسد: "...تاریخی می‌باید پرداخت و تقیید اخبار و آثار او را مجموعه ساخت که ناسخ آیات قیاسره و ماحی روایات اکاسره شود . بسبب تغییر روزگار و تأثیر فلک دوآر و گردش گردون دون و اختلاف عالم بوقلمون مدارس درس مندرس و معالم علم منظمس گشته و طبقه طلبه آن در دست لگدکوب حوادث پای مال زمانه غدآر و روزگار مکار شدند و بصنوف صروف فتن و محن گرفتار و در معرض تفرقه و بوار معروض سیوف آبدار شدند و در حجاب تراب متواری ماندند." (جوینی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۴)

ایجاد ناامنی اجتماعی و فرهنگی

امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدید یا کردار غیرقانونی دولتی، دستگاهی، فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه است (لبافی، ۱۳۸۴: ۱۳). امنیت فرهنگی، عبارت از احساس آرامش و فقدان هر گونه تهدید و تعرض نسبت به باورها، اعتقادات، آداب، سنن و زبان و نیز انجام آزادانه عبادات، مناسک و موازین مذهبی افراد و اشخاص. به سبب نقش و جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت انسان و پیشرفت جوامع بشری دارد. (غلامی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۴)

حاکمان مغولی با شاخصه‌هایی از قبیل: کوچ اجباری، مهاجرت منابع انسانی و نیروی تولید و فکر، نابودی کتابخانه‌ها و مراکز علمی، رواج پرستش پدیده‌های طبیعی و ترویج بودایی‌گری، نابودی مراکز علمی، ترویج بی‌بندوباری، روسپیگری، رواج فحشا و بد حجایی و مصرف بنگ و انواع مشروبات، جادوگری و خرافات ، رواج کلاهبرداری ، کاهش امنیت جانی و فردی و گروهی، امنیت فرهنگی و اجتماعی رادچار اختلال نموده بودند.

جوینی در ذکر نابودی شهرهای آباد خراسان و سیستان توسط تولوی پسر چنگیزخان می‌نویسد: چون روان شد بر جناحین امرا تعیین کرد و در قلب او به نفس خویش و مقدمه بر سبیل طلایه در پیش انداخت و او از راه مرو جق (مرو کوچک) و بغشور برفت و خراسان را معین چهار شهر بود بلخ و مرو و هراة و نيسابور بلخ را خود چنگيزخان نيست کرد چنانک علی حده ذکر آن مثبت است

و احوال سه شهر دیگر نیز سبب آنک در مقدمه وصول و بعد از احوال دیگر در آن بلاد حادث شدست بتفصیل ذکر واقعه هریک خواهد آمد باقی نواحی را از دست راست و چپ و شرق و غرب لشکر بفرستاد و تمامت را مستخلص کرد چون ابیورد و نسا و یازر و طوس و جاجرم و جوین و بیهق و خواف و سنجان و سرخس و زورابد و از جانب هرات تا حدود سجستان رسیدند و کشش و غارت و نهب و تاراج کردند به یک رکضت عالمی که از عمارت موج می زد خراب شد و دیار و رباع ییاب گشت و اکثر احیاء اموات گشتند و جلود و عظام رفات شدند و عزیزان خوار و غریق دیار بوار آمدند. (جوینی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۱۱۸)

گزارش فوق در واقع تا حدود زیادی مشخص کننده تاراج مغولان در مناطقی از ایران است که بخشی از محدوده مورد نظر این مقاله یعنی سیستان را پوشش می دهد. عباس اقبال نیز در شرح اولین لشکرکشی های مغولان چنین آورده است که گروهی دیگر به غزنه و مضافات آن و شهرهای مجاور و هند و سیستان و کرمان توجه کردند و مثل گروه اولین بلکه بدتر با مردم و آبادی ها معامله نمودند و کاری شد که هیچ گوشی مثل آن را نشنیده بود. (آشتیانی، ۱۳۷۶: ص ۱۰۲)

از دیگر مورخان که شبیه گزارش "جوینی" اشاره به خرابکاری ها و غارتگری های مغولان دارد، در بین آن ها نامی از سیستان رفته است "وصاف" است، وی از آمدن مغولان می نویسد که: «بلخ را چنگیزخان به نفس خود خراب کرد و سه شهر دیگر بر دست تولوخان ویران گردید [مرو، هرات و نیشابور] و قصبان و بلاد دیگر آن سرزمین را چون ابیورد، بازر، طوس، جاجرم، جوین، بیهق و خواف و سرخس را لشکر فرستادند و بنیاد وجود همه را نیست کردند و از «هرات» تا «سجستان» و شبورغان را غارت کردند» (آیتی، ۱۳۴۶: ص ۳۲۳)

اهمیت به "بی بند و باری، اوباشان، شتربانان، دون پایگان و افراد مفلس" از دیگر مولفه های نابودکننده امنیت اجتماعی و فرهنگی بوده جوینی نوشته: "کذب و تزویر را وعظ و تذکیر دانند و تحرمز و نیمیت را صرامت و شهامت نام کنند و زبان و خط ایغوری را فضل و هنر تمام شناسند هریک از



ابناء السَّوق در زیّ اهل فسوق امیری گشته و هر مزدوری دستوری و هر مزووری وزیری و هر مدبری دبیری و هر مستدفی مستوفی و هر مسرفی مشرفی و هر شیطانی نایب دیوانی و هر کون خری سر صدری و هر شاگرد پایگاهی خداوند حرمت و جاهی و هر فرآشی صاحب دور باشی و هر جافی کافی و هر خسی کسی و هر خسیسی رئیسی و هر غادری قادری و هر دستاربندی بزرگوار دانشمندی و هر جمالی از کثرت مال با جمالی و هر حمالی از مساعدت اقبال با فسحت حالی. روز بازار ضلالت و جهالت اختیار ممتحن و خوار و اشرار ممکن و در کار کریم فاضل تافته دام محنت و لئیم جاهل یافته کام نعمت هر آزادی بی زادی و هر رادی مردودی و هر نسیمی بی نصیبی و هر حسیبی نه در حسابی و هر داهیی قرین هر داهیه و هر محدّتی رهین حادثه و هر عاقلی اسیر عاقله و هر کاملی مبتلی بنازله و هر عزیزی تابع هر ذلیلی باضطرار و هر با تمیزی در دست هر فرومایه گرفتارتوان دانست". (جوینی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۴)

#### تهدید امنیت نظامی و انتظامی

از میان تهدیدهای اجتماعی - ملی هنوز هم تهدید نظامی مهمترین تهدید ملی محسوب می شود، زیرا تهدید نظامی همه اجزای دولت اعم از حاکمیت، سرزمین و نهاد دولت و ازسویی دستاوردهای صنعتی، اقتصادی و تمدنی جامعه را مورد هدف قرار می دهد. باری بوزان یکی از پایه گذاران مکتب کپنهاگ امنیت نظامی را اینگونه تعریف می کند: « امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز، برداشت آنها از مقاصد یک دیگر مربوط است» (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۴) مقوله های تهدید امنیت نظامی توسط مغولان در ایران بخصوص در سیستان عبارتند از: نابودی منابع انسانی، نابودی حکومت های محلی، محو جغرافیای سرزمینی، لگد مال نمودن امنیت: داخلی، فردی، شغلی، عمومی و حقوق شهروندی. امنیت نظامی. جوینی دلیل تهدید امنیت نظامی در سیستان را حضور جلال الدین دانسته و می نویسد: بعد از جنگ و گریز جلال الدین و عبور وی از رود سند، چنگیز دستور به قتل و غارت غزنه و دیگر شهرهای دور و اطراف را داد که در این زمان ملک شمس الدین پسر غیاث الدین حکومت می کرد، دوتن از فرماندهان چنگیز قصد محاصره و

غارت سیستان را داشتند که بدلیل گرمی هوا چنگیز دستور بازگشت صادر کرد، (فضل... همدانی، ۱۳۷۳: ج ۱ ص ۵۲۸)

زمانی که چنگیز به جیحون بازگشت پسر او جغتای مأمور شد که ولایت مکران و سند را تصرف کند و او هم همانند اوگتای این ولایت را غارت کرد و این دو برادر این منطقه را چنان غارت کردند که جلال‌الدین در بازگشت برای دریافت معیشت و اسباب کار با مشکل مواجه شد. (آشتیانی، ۱۳۷۶ ص ۴۴، نسوی، ۱۳۹۴ ص ۸۲) جنوب شرق ایران پناهگاه خوبی برای مخالفان در این تاریخ و قبل و بعد از آن بوده است و همین خود می‌توانست از دلایل توجه بیشتر لشکر مغول و بعدها تیمور و حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل دیگر به این منطقه باشد (الهروی، ۱۳۸۵ ص ۱۲۹) از دیگر عوامل تهدید امنیت نظامی و انتظامی مغولان در سیستان ایجاد جنگ‌های داخلی بین حاکمان محلی منطقه سیستان بوده است در دوران مورد بحث یکی از عوامل ناپایداری امنیت نظامی و ثبات سیاسی اختلاف و درگیری داخلی بین امرا و حاکمان محلی منطقه سیستان بوده چنانکه در کتاب "احیاءالملوک" بارها به این حوادث اشاره شده است. حاکمان مغولی با صدور حکم حکومتی متعدد برای امیران نواحی سیستانی این آشوب و جنگ‌های داخلی را بیشتر دامن می‌زدند. یک نمونه از درگیری‌های داخلی در سیستان عبارتند از: نبرد ملک نصیرالدین با شمس‌الدین کرت بسال ۶۵۹ق، و پیروزی ملک نصیرالدین موجب شده بود تا وی خیانتکاران سیستانی همدست با حاکم کرت را به قتل برساند و اموالشان را تصرف و برای تعمیر قلعه‌ها، بندها و راه‌ها در سیستان بدلیل تخریب مغولان بعد سی سال آباد کند. بعد مدتی حاکم کرت به تحریک فرمانروای مغولی "جنجودرونوین" پرداخت و وی با لشکری بزرگ به سیستان حمله نمود و به تخریب و کشتار مردم پرداختند. (سیستانی ملک شاه، ۱۳۴۴ ص ۸۱-۸۰) این تداوم درگیری داخلی بین امرای سیستانی تا اوایل دوره صفوی در مدت دو قرن ادامه داشت. مسئله سربازگیری اجباری (حاجی مرزدارانی و همکاران، ۱۳۹۱: ش ۱۵ ص ۱۵-۱۳) مغولان از تمامی سرزمین‌های خود سربازگیری می‌کردند تا

جوانان برای آنان بجنگند و در این امر بر جوامع فشار می آوردند(قدیانی، ۱۳۸۷ ص ۱۴۳). بنابراین، مردان در جوامع تحت کنترل مغول، از حیث آزادی فردی، احساس امنیت نمی کردند. (حاجی مرزدارانی وهمکاران، ۱۳۹۱: ش ۱۵ ص ۱۵-۱۳) ورشکستگی صاحبان حرف بخصوص صنف اسلحه سازان موجب رکود تولید وساخت ابزارهای نظامی از قبیل: شمشیر وخنجر شده بود. بعبارتی سیاست حاکمان مغول مسلح بودن مغولان و غیر مسلح بودن ایرانیان بود، اسلحه سازان ایرانی شغل خود را تا حد زیادی از دست دادند. محترفه که عملی سازنده سلاح بودند از اکتساب باز می- ماندند." (وصاف شیرازی، ۱۳۳۸ ص ۳۶۲) به ایلی گرفتن شهرها به لحاظ نظامی از دیگر پیامدهای نامطلوب امنیتی بوده است. (شبانکاره ای، ۱۳۶۳ ص ۲۵۵).

تهدید امنیت زیست محیطی و تخریب پدیده های طبیعی

از جمله ابعاد مهم و حیاتی امنیت، بعد زیست و شرایط اقلیمی هر کشور می باشد. امنیت محیط زیست، به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرها و تهدیدهای ناشی از فعل و انفعال های گهواره ی زمین، پدیده های جوی، آلودگی خاک، آب و هوا و اشاعه ی بیماری ها برای ادامه ی حیات سالم، ثمربخش و با نشاط انسان، جانوران، گیاهان و به طور کلی تمامی موجودات زنده و عدم تخریب جامدات، فراهم می سازد. (تهامی، ۱۳۹۰ ص ۸۹) در این پژوهش شاخصه هایی از قبیل: سلب حق حیات شهروندان از زندگی، نابودی گونه های گیاهی و جانوری با آتش زدن و نیست نمودن آبادی ها، تخریب باغات و مزارع کشاورزی، نابودی سدها و بندها، قنات ها و چشمه ها، تهدید امنیت زیست محیطی توسط مغولان در سیستان بوده است که بشرح زیر ارائه می شود:

شکل ۱: جدول میزان کشتار مغولان در شهرهای مختلف خراسان و سیستان و اطراف آن

ردیف	نام شهر	میزان کشتار
۱	نیشابور	یک ونیم میلیون نفر
۲	مرو	۷۰۰ هزار نفر
۳	هرات	یک میلیون و ششصد هزار نفر
۴	نسا	۷۰ هزار نفر
۵	بیهق	۷۰ هزار نفر
۶	تون	۱۲ هزار نفر
۷	زرنگ سیستان	۱۰۰ هزار نفر

(بویل، ۱۳۸۹، ج ۵ ص ۱۷۷ و همو، ۱۳۶۶ ص ۴۵۸)

در زمان حمله مغولان، سیستان و خراسان بیش از بلاد دیگر آسیب دید. همه شهرها و قلاع آن ویران شدند و بخش اعظم جمعیت آن، در شهرها و در مناطق روستایی یا کشته و یا به بردگی گرفته شدند. (پطروشفسکی، ۱۳۶۶ ص ۴۵۶) گذشته از کشتار بی رحمانه مغولان، مردمان انبوه نیز بخاطر شیوع بیماری ویژه صحرا نوردان و کاهش سطح بهداشت عمومی و کمبود و نبودن دارو و درمان و طیبیان چیره دست و مهمتر از همه آلودگی آب، از بین رفتند و باعث کم شدن جمعیت در آن برهه از زمان شد. (یزدانپرست، ۱۳۹۰ ص ۱۱۵-۱۱۴)

نابودی امنیت اقتصادی

ازنگاه مکتب کپنهاگ امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به نیازهای ضروری زیستی (آب، خوراک، پوشاک و مسکن) مربوط است. در سطوح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیار درباره اشتغال، کسب درآمد، رفاه اجتماعی در ارتباط است (بوزان، ۱۳۸۹ ص ۲۶۶). تخریب منابع طبیعی، نابودی مزارع، فقر گسترده، کارایی نداشتن بخش‌های مولد اقتصادی، توزیع نامناسب درآمدها، فساد اداری نمونه مفاهیمی است که می‌تواند بیانگر ناامنی اقتصادی باشد. لشکر کشی مغول، در زمان کوتاه، موجب سقوط و از بین رفتن نیروهای تولید و در عوض افزایش میزان اقطاع نظامی و نفوذ سران نظامی شد. نتیجه این حرکت باعث تبدیل شدن اراضی کشاورزی مولد به مراتع شد. زیرا هر کس می‌کوشید فقط جان خود و خانواده‌اش را نجات دهد دیگر کسی به فکر باز سازی و یا تعمیر سد ها نبود. (احمدی، ۱۳۸۰ ص ۳۹) علاوه بر اینها تغذیه اسب‌ها و احشام لشکریان مغول خود به خود بخش بزرگی از کشاورزی و مراتع ایران را نابود کرد، این مغولان باغ‌ها و کشتزارها را به چراگاه تبدیل کردند؛ (یزدانپرست، ۱۳۹۰ ص ۱۱۵). اوحدی در قصاید خود نیز از پریشانی و سرگردانی مردم و بسته بودن راه‌ها به روی آن‌ها و از دل خستگی‌های خود و نابسامانی ملک سخن به میان آورده است:

دلخسته همی باشم رین ملک بهم رفته      خلقی همه سرگردان دل مرده ودم رفته  
راهی نه زپیش وپس درشهر چنین بیکس      من خفته وهمراهان با طبل و علم رفته  
(اوحدی ، ۱۳۴۰ص ۳۳)

خوی ویرانگری مغولان، مدرسه‌ها، مسجدها، خانه‌ها، کارگاه‌ها، برج و باروها را به نابودی کشاند؛ چشمه‌ها و قنات‌ها را کور کرد. متأسفانه تا زمان اصلاحات غازانی در اواخر دوران ایلخانی، مجالی برای بازسازی زیر ساخت‌های اقتصادی کشور فراهم نشد. ( یزدان‌پرست، ۱۳۹۰ص ۱۱۵) یکی دیگر از پیامدهای حمله مغول آن بود که بحران اجتماعی و اختلافات داخلی را افزایش داد (کاظم نیا، ۱۳۸۶ص ۱۰۷-۱۰۵) به گزارش تاریخ نگاران، ایران در آغاز حمله مغول کشوری آباد و اقتصادش پررونق بوده است. مخصوصاً مناطق خراسان بزرگ و سیستان و بلخ که از قسمت‌های شرقی محسوب می‌شد در آن برهه از زمان یعنی قرن هفتم به فراوانی ثروت مشهور بود و مقدار غله آن به اندازه بود که تبدیل به انبار غله خراسان و خوارزم بود. ( دستغیب، ۱۳۶۷ ص ۳۲۳) از لحاظ ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در تاریخ ایران، دورهٔ میانه یا دوره ۱۷۸ساله فترت از مرگ ابوسعید ایلخانی ۷۳۶ق الی سال ۹۱۲ق، با سقوط هرات توسط ازبکان پایان یافته (کثیری وافشاری-فر، ۱۳۹۳ص ۱۲۲) اهمیت خاصی دارد.

از دیگر موارد اختلال در کار اقتصادی فساد شتربانان و خربندگان بوده آنان اراذل و اوباشی بودند که ماموریت نگهداری از اسبان شاهزادگان و امرای مغولی را بر عهده داشتند با کمک سرداران مغولی و امرای محلی عرصه‌های شهری در بازارها و مراکز شلوغ به زور از مردم باج می‌گرفتند " اکثر خلق طریق خربندگان و شتربانان گرفتند و با ایشان متفق شدند و بر هر خربنده ای ده بیکار و رند و آتش رانی جمع می‌گشتند ". (فضل ا...همدانی، ۱۳۶۲: ج ۲ ص ۱۱۱۲)

پدیده‌ی مال خری از دیگر میراث شوم این دوره بوده، این ناهنجاری، معلول فقر اقتصادی گسترده بود. گاهی راهزنان با صاحب منصبان همدست می‌شدند و به اصطلاح امروزه "مال خر" اموال غارتی بودند، و به قول جامع التواریخ : زره‌های دزدیده با همدیگر خوردندی (همان ص: ۱۰۵۱). تخریب مزارع کشاورزی از دیگر جنایات مغولان بوده، لمبتون می‌نویسد: "تنها آرزوی مغولان این

بود که نواحی حاصل خیز و پرجمعیت را خالی السکنه کنند که اراضی مبدل به مرتع شود و وسعتی برای چرانیدن اغنام بیابند". (لمبتون، ۱۳۷۷ ص ۸۵)

مهمترین نامی اقتصادی این دوره براساس گزارشات مورخان اخذده ها نوع مالیات خانمان برانداز بوده که عبارتنداز: قبچورنوعی مالیات یر چراگاه دو نوع بوده: ۱- قبچور مراعی ۲- قبچور محترفه (لمبتون، ۱۳۸۲ ص ۲۱۸) قلان، نوعی بیگاری بوده (همان: ص ۲۱۹)، نماری نوعی سود زائد (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ج ۲ ص ۷۳۱)، ثمار نوعی مالیات بر محصولات باغی و درختان، علوفه تامین آذوقه لشکریان و چارپایان و تغار مالیات بر اموال روستاییان (همان: ص ۷۴۱-۷۳۵)، طیارات مالیات پادشاه بر اموال مردگان، حرز مالیات بر مساحت زمین، آلام / الاغ یا حق یام نوعی مالیات برای مخارج پست، حق التحصیل یا مالیات خزانه داری، بیغار نوعی بیگاری (همان: ۱۷۵۱ الی ۷۶۸). برات اجاره نامه به والیان محلی، شاهزادگان و فرماندهان نظامی برای کسب و وصول مالیات (جوینی، ۱۳۸۵: ج ۲ ص ۲۴۹)، عوارض نوعی مالیات بر تامین مخارج فوق العاده (الهروی، ۱۳۸۵ ص ۶۵۴)، طرح و اخراجات مالیات کمک خرجی قشون و پذیرایی (بارتولد، ۱۳۵۸ ص ۲۹۹)، تمغا نوعی مالیات مالیات بر درآمد و خرید و فروش شهری (فضل ا...، ۱۳۷۳: ج ۲ ص ۱۴۴۸)، ساوری نوعی پیشکش اجباری، ترناگیر نوعی مالیات برای دروازه های شهرها، مساعده نوعی مالیات زودتر از موعد مقرر، حق التقریر نوعی مالیات برای وزیر اعظم، چریک نوعی مالیات برای چادر نشنان، شلتاقات یا توتغاولی نوعی مالیات بین راهی و منازل، شناقص نوعی مالیات برای چپاول اموال مردم بطور کلی، خراج ارضی نوعی مالیات بر مزارع کشاورزی، مهلتانه نوعی مالیات بر تمام دارای اموال مردم (کنارودی، ۱۳۸۷ ص ۹۸-۹۵)

عصر تیموریان و نابودی ابعاد پنج گانه امنیت براساس نظریه کپنهاگ

ایجاد ناامنی سیاسی

امنیت سیاسی به معنای تامین آرامش و طمانینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت جهت تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آن‌ها می‌باشد. (تهامی، ۱۳۹۰ص ۸۹) ورود اقوام بدوی مانند مغولان، زمینه‌های ایجاد شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی در ایران را فراهم کرد. قرن هشتم یکی از سده‌های بی‌ثبات تاریخ میانه ایران است. در این قرن اضمحلال حکومت ایلخانی، شکل‌گیری دوره فترت و برآمدن تیمور گورکانی به وقوع پیوست. بر این اساس، مسئله‌ای که در ایلغار و نسل‌کشی تیموریان چشمگیر به نظر می‌آید، بی‌ثباتی است و مسائل دیگر از قبیل: قحطی و ناامنی سیاسی و اقتصادی تحت تأثیر آن قرار گرفته بود:

گر به عیب انقلاب روزگار می‌کشد ابن یمین از آشنایی سرزنش  
گر که باور می‌ندارد بی‌ثباتی جهان از برای او به آئین مثل گویند غش (فریومدی، بی تا ص ۴۴۳)  
زورگویی‌ها و دریافت مالیات‌های متعدد وضعیت اقتصادی نامساعد مردم را چند برابر کرده بود. در این دوره، مردم نواحی سیستان روزگار محنت‌باری را می‌گذراندند، ابن یمین گفته است از اینکه در این روزگاران فقرو ناچیز است ابراز خوشحالی می‌کند زیرا اگر صاحب ثروت بود زورگویان "به صد شکنجه و چوب" ثروتش را می‌گرفتند (همان: ص ۴۲۴)

نبود شادابی و پریشانی احوال جامعه (الهروی، ۱۳۵۲ص ۷۶) وجود حاکمان نوکیسه ظالم و خون‌دل خوردن مردم (عضد، ۱۳۸۹ص ۱۹۰ الی ۲۱۳) و گسترش گرسنگی و بی‌نانی (خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹ص ۱۵۵) از دیگر نابسامانی‌ها و توصیف اوضاع وحشتناک مردم سیستان و خراسان در این دوره بوده است.

سیف فرغانی شاعر درد و فریاد عصر مغولان با ذکر ردیف "خاک" بعنوان نماد مرگ، تیره‌روزی، نبود عدالت و قتل و کشتار اوضاع را چنین به تصویر کشیده است:

در دورما از آتش بیداد ظالمان چون رود وسیل تیره شد آب و هوای خاک (سیف فرغانی، ۱۳۶۶ ص ۱۳۷)

یان ریپکا پیرامون مهمترین شاخصه ناامنی سیاسی توسط مغولان می‌نویسد: "اینک بلای تازه‌ای، در هیئت جنگ‌آوری دهشتناک، یعنی تیمور (تولد ۷۳۶ ه، دوران سلطنت ۸۰۷-۷۷۱ ه)، بر کشور نازل

می‌شود. هنگام تهاجم مغولان لاقل مناطق جنوبی، روی هم‌رفته، از آسیب برکنار ماند؛ ولی، اینک، سراسر ایران لگدکوب لشکریان تیمور گشت. کلیه سلسله‌های محلی که پس از ایلخانیان برآمده و ایران را به مناطق مختلف تقسیم کرده بودند ریشه‌کن شدند. خرده‌مالکین زیر بار مالیات‌هایی که از طرف حکومت مرکزی وضع شده کمر خم کرده‌اند و در اجرای تعهدات خود و پرداخت باج به مالکان فئودالی که مستقیماً بر آنان فرمان‌روایی دارند و امانده‌اند. دوشادوش پیشه‌وران باید برای حفر قنوت و ساختن استحکامات و ابنیه درباری و مساجد و جز آنها تن به بیگاری دردهند. (یان ریپکا، ۱۳۸۱ص ۳۹۵)

-رابطه سیستم کسب درآمد حکومت تیمور با افزایش مالیات و نابودی امنیت شغلی اقتصادی - امنیت اقتصادی یکی از ابعاد مهم ثبات امنیت براساس نظریه مکتب کپنهاگ می‌باشد بنابراین با نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و منابع آبی و مزارع کشاورزی در ایلغار تیموریان امنیت اقتصادی در سیستان بکلی نابود و ریشه‌کن شده بود. یکی از ویژگی‌های اساسی بنیان برانداز ملل مغلوبه دولت تیموری، نظام فئودالیسم بود که به عنوان پایه و اساس مادی برای سیستم نظامی عمل می‌کرد. نخستین بهره‌گیران این نظام، شاهزادگان و امیران و فرماندهان والای نظامی و رؤسای ایلات بودند؛ «اساس کار نظام فئودالی بر غارت دسترنج روستاییان قرار داشت. دولت‌هایی که دولت سابق را فرو کشیده و جای آن را تسخیر و تصرف می‌کردند یا فاتحانی بیگانه که به مملکت هجوم آورده بودند، خواه یا ناخواه صاحب مقدار زیادی املاک مفتوحه می‌شدند و برای آنکه املاک را با بهره، سرشار اداره کنند به اقطاع می‌دادند. یعنی آن املاک زراعی را با مردمش و دسترنج آنان به مقاطعات در برابر پرداخت مبلغی سالانه می‌فروختند.» (انصافپور، ۱۳۷۶ ص ۱۹۷)

بهره‌کشی مستقیم یا «بیگار یا اجباری که از طبقه فرودست گرفته می‌شد» (لمبتون، ۱۳۶۲ ص ۲۰۸) به بردگی گرفتن مردم سرزمین‌های مغلوب و فروختن و به کارگرفتن آنان و اموال غارتی و غرامت در هر زمان از مهمترین سرچشمه‌های درآمد دولت‌ها بوده است. «تیموریان پس از هر فتح و



پیروزی که به دست می‌آوردند، هنرمندان و معماران و نقاشان و طراحان مختلف را از سرزمین‌های مفتوح، روانه سمرقند و بخارا و هرات می‌کردند و از برکت وجود این هنرمندان، ساختمان‌ها و کاخ‌های آنها به عالیترین وضع ممکن تزیین و آراسته گردید. (تاجبخش ۱۳۸۱ ص ۲۷۲)

باری بعد کشتار و تخریب مغولان در سیستان، تیمور در سال ۷۸۵ق، علاوه بر قتل عام مردم سیستان دوهزار نفر اسیر را زنده در دیوار جای داد (سیستانی، ۱۳۶۶ ص ۲۱۶) همچنین در سال ۷۸۹ق، هفتاد هزار سکنه سیستان را قتل و عام کرد (راوندی، ۱۳۷۴ ص ۱۹۵) پیرامون تاراج و غارت اموال مردم سیستان در شجره الملوک چنین نقل شده:

سه نوبت بدین گونه پیکار سخت نمودند یاری نفرمود بخت

ز شهری و لشکر ز بس کشته شد در آن شهر از کشته‌ها پشته شد

وقایع فوق این نظر را تقویت می‌کند که سیستان در ایلغار تیمور صدمات جبران‌ناپذیری را تجربه نموده است بعبارتی زمینه انحطاط بلندمدتی را فراهم کرده است. بعد این واقعه سیستان وارد دوره جدیدی از تاریخ معیشتی خود می‌گردد که بدان "انزوای اجتماعی و اقتصادی" می‌توان نام برد. این پدیده‌ی جغرافیایی افتادن یک کانون جمعیتی از کانون‌های جمعیتی پیشرفته و بزرگ دیگر، زیربنای انزوای فرهنگی-اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌سازد (ساسان، ۱۳۶۴ ص ۵۰). جنایات تیمور بحدی بود حتی "حیوانات کاری" برای کشاورزی وجود نداشته و مردم به ناچار گاو آهن را به خودشان می‌بستند و به کار کشاورزی می‌پرداختند (سیستانی، ۱۳۶۶ ص ۵۰۲) از دیگر پیامدهای حملات و غارتگری‌های تیمور و جان‌شیانش از بین بردن و نابودی سیستم مدیریتی آب‌رسانی سنتی سیستان تحت عنوان "اشر/حشر" بوده، نظامی که با مقررات اصولی خاصش صدها سال در رشد و توسعه کشاورزی منطقه و تبدیل سیستان به انبار غلات نقشی مهم داشت. حشر نظام جمعی مدیریت ولایروبی کانال‌ها و انهار انتقال آب رود هیرمند به دشت سیستان، در قالب گروه‌های بزرگ و سازمان-یافته کاری چند هزار نفری نامیده می‌شد. (جمعه‌پور و میرلطفی، ۱۳۹۱: ش ۵۶ ص ۵)

تیمور حکومت خود را دنباله حکومت چنگیزی می‌دانست و می‌کوشید تا راه و رسم او را در اداره امور ممالک تابع خود به کار برد. به همین مناسبت، «قسمتی از یاسای چنگیزی را با اصول تعلیمات اسلامی تلفیق کرد و قواعدی که تزوک تیموری نام دارد، ترتیب داد. اما این اصول در

محیط لشکری و نظامی معتبر بود و در سازمان کشوری همان اصول دیرین ایرانی و اسلامی ملاک عمل کارگزاران بود (راوندی، ۱۳۵۴ ص ۳۶۵). تیمور به ظاهر برای قانون و اجرای آن جهت کسب درآمدهای مختلف اهمیت زیادی قائل بود؛ خود او می‌گوید: به "توره و تزوک" کارخانه سلطنت خود را بند و بست نمودم و به توره و تزوک خود را به مرتبه قایم نگهداشتم (حسینی تربتی ۱۳۴۲ ص ۹۶) تیمور جهت چپاول و غارتگری بیشتر با تاسیس دیوان استیفا و با گماشتن مشاغلی از قبیل: بتکچی (مامور صدور پروانه)، تمغاچی (مامور وصول خراج)، خازن یا خزانه‌دار، عامل (مامور محصل مالیات) و باجستان و از طریق دیوان اوقاف در ستاندن انواع مالیات (زکات، تمغا، خراج، باج، پیشکش، بیگاری اسیران، وقفیات و علوفه) و چپاول اموال مردم با شدت عمل می‌نمود. (نظامی باخرزی: ۱۳۷۱ ص ۱۶۴-۱۶۳) در دوران تسلط مغولان و تیموریان بر ایران وصول مالیات از اعتدال خارج شده بود و عمال حکومت مردم را از نظر میزان اخذ مالیات مورد تعدی بسیار قرار میدادند. به طوری که اکثر کشاورزان مالیات عقب مانده داشتند و به طور جمعی از زادگاه خویش فرار می‌کردند (کمبریچ، ۱۳۷۹ ص ۲۵۰)، در این دوره مالیات آنقدر کم‌رشد بود که «اگر کسانی از حمله تیمور جان سالم به در می‌بردند بایست به پاس زندگی، مالیات گزاف بپردازند و این مالیات در شهرهای بزرگ به دوپست و سیصد هزار دینار بالغ می‌شود».

-تهدید امنیت زیست محیطی با تخریب بندها، قنات‌ها و گسترش خشکسالی و شیوع بیماری-

های واگیردار وبا و طاعون در سیستان

حکومت تیمور از جمله حکومت‌هایی است که به آشفتگی، قتل و کشتار معروف است. این شرایط اجتماعی و سیاسی بر بهداشت این دوره تأثیری گذاشت و باعث بروز قحطی‌ها و بیماری‌های فراگیر می‌شد که مورخان نیز به آن اشاراتی کرده‌اند. اتفاق وحشتناک و مصیبت‌بار قحطی‌ها در این دوره شیوع بیماری‌های کشنده وبا و طاعون بوده است. طاعون یا مرگ سیاه یک بیماری واگیر و کشنده

است که توسط نوعی میکروب از طرق مختلف به ویژه نیش کک به انسان منتقل می شود این بیماری از طرق دیگری مانند تنفس هم از انسان به انسان منتقل می شود و با ایجاد درد در غدد لنفاوی و سپس سردرد و خونریزی داخلی حداکثر طی یک هفته بیمار را به کام مرگ می فرستد (چیت ساز، ۱۳۶۸ ص ۴۴۴). حافظ ابرو در شرح فتح هرات نوشته است: " دربازار و کوچه ها مردگان بر زیر یکدیگر افتاده و متعفن گشته هیچ کس را مجال تجهیز و تدفین نبود (حافظ ابرو، ۱۳۵۲ ص ۲۱۶). شیوع طاعون در بغداد و کشتار آن (روملو، ۱۳۵۷ ص ۳۰۶) طاعون در کلات مازندران بسال ۷۴۴ ق (۱۳۴۳ م) (سمرقندی، ۱۳۵۳ ص ۶۹)، قتل و عام طاعون در کلات نادری (میرخواند، ۱۳۷۲ ص ۱۰۳۹) شیوع و با طاعون در اصفهان سال ۸۱۰ ق (۱۴۰۷ م) (خواندمیر، ۱۳۳۳ ص ۵۷۳) و طاعون تبریز بسال ۸۰۹ ق طاعون در شیراز و اطراف آن به سال ۸۳۰ ق (روملو، ۱۳۵۷ ص ۱۹۱) گزارش شده است. شدیدترین بروز بیماری طاعون در این دوره مرگ افزا مربوط به شرق ایران و اطراف هرات می باشد. میزان فراگیری و شدت تلفات این همه گیری در حدی بود که بیشتر منابع دوره تیموری از جمله: روضه الصفا، روضات الجنات، حیب اسیر، احسن التواریخ و مطلع السعدین به آن اشاره کرده اند. گزارش نویسنده کتاب خلدبرین پیرامون طاعون ۸۳۷ ق چنین گزارش شده: " دیگر از وقایع آن زمان که در سال ۸۳۷ روی نمود، وقوع و با طاعون در هرات و توابع آن بوده است در شجره الملوک شیوه دست یابی شاهرخ به سیستان و خرابی بندها بطور مفصل شرح داده شده است:

سه بند قوی سخت بنیاد      کزان کشور زابل آباد بود

بفرمود خاقان مالک رقاب      که کردند آن بندها را خراب

در احیاء الملوک نوشته ملک شاه حسین سیستانی، پیشنهاد خرابی بندهای هیرمند را شخصی به نام «میرساقی» داد. این میرساقی کسی بود «جمعی از قومان او را ملک قطب الدین به قتل آورده بود و او به خدمت میرزا شاهرخ به هرات رفته مدّت ها در هرات بود و در این لشکر سرکرده خرابی و فساد بود. از محاصره مایوس شد به خدمت پادشاه رفته به عرض رسانید که این هم قسمی از فتح است که کلّ مملکت را خراب سازیم و بندها را از هیرمند برداریم، خود اهل قلعه و شهر به پایه سریر اعلی خواهند آمد. جمعی دیگر از مفسدان این رأی را استحسان فرموده، اردوی

معلى را بر سربند هاونگ آوردند و آن بندی بود که در زمان گرشاسف بسته بودند به سنگ و آهک و از آن تاریخ هر پادشاه بر آن افزوده بود و آبادی سیستان از او بود. آن بند را بدین صفت خراب کردند که سرکه کهنه بر سنگ می ریختند و به فولاد آبدار می شکستند. چهل فرسخ در هشت فرسخ و بعضی محال در دوازده فرسخ از آن بندها و سایر بندها مثل بند حمزه بلواخان و بندیکاب که سرابان و بنابان و زره و رامرود و حوض دار و کندر از آنجا آب می بردند و آبادی طرف شرقی هیرمند به نوعی بود که از قلعه زرنج و حصار طاق و مواضع آن تا در شهر و پشت شهر، چهار کمر شهر بلکه تا اوق همه عمارت بود کوچه به کوچه. این بند که اشرف بندها بود خراب ساخت تا بلواخان برفت و همه را خراب کرد.» (سیستانی، ملک شاه، ۱۳۴۴ص ۱۱۴) پیرامون نتایج این جنایات تیموریان قاسم انوار شاعر این دوره در توصیف گسترش فقر و بیعدالتی گفته:

«امنیت اجتماعی»، عبارت است از آرامش و آسودگی خاطری که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد نماید. امنیت اجتماعی را غالباً به انواع ملی، فرهنگی، شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم کرده اند (صفوی، ۱۳۸۱ص ۳۳). در این پژوهش ناامنی اجتماعی براساس نظریه‌ی مکتب کپنهاگ عبارتند از: آسیب ها و تهدیداتی از قبیل سلب حقوق فردی و عمومی، رواج بیعدالتی و فساد قاضیان، بحران هویت، فرسایش سرمایه اجتماعی، خودکشی، افزایش جرائم جنسی و روسپیگری، تجاوز به دختران، فرار مغزها، فقر، شکاف طبقاتی، نابرابری، بی عدالتی اجتماعی، فساد حاکمان مغولی، رشد رشوه و ارتشا، رواج برده‌داری، خشونت و پرخاش گری، نابودی ساختار خانواده، بها دادن به دو پایگان و شتربانان، نسل کشی، از خودبیگانگی و سرگشتگی فرهنگی، عدم وجدان اخلاق و تعهد کاری، مهاجرت منابع انسانی به نقاط مختلف جهان اسلام می باشند. در زمینه کوچ اجباری منابع انسانی توسط تیمور یزدی می نویسد: پس از یورش تیمور و چپاول سیستان، ملک قطب الدین تسلیم شد. تیمور او را به سمرقند تبعید کرد و بزرگان سیستان را نیز به فراه فرستاد

و حکومت سیستان را به شاه شاهان واگذار کرد "شاه قطب الدین و کلانتران آن ناحیه را به سمرقند فرستادند و قضات و علماء و صلحاء را کوچانیده به حصار فراه روانه داشتند یکی از پیامدهای نامطلوب ایلغار مغولان و تیموریان بنا به گزارش مورخان گسترش و رواج پنج نوع مهاجرت بوده که عبارتند از: ۱- مهاجرت اختیاری نخبگان ۲- مهاجرت اجباری صاحبان حرف ، دانشمندان ، عالمان و حاکمان ۳- مهاجرت سیاسی ۴- کوچ منطقه ای ۵- مهاجرت تجاری. جوینی می نویسد: «جلباب علوم و متحلیان به حلیه هنر و آداب خالی شد " (جوینی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۱۰۹). مهاجرت اجباری منابع انسانی به سمرقند پایتخت تیمور، یکسان نمودن شهرها و روستاها با خاک از جمله تهدیدات ناامنی اجتماعی بوده که در تاریخ منظوم سیستان به تصویر کشیده شده است:

در وباره و برج و کاخ بلند      به فرمان شاهنشہ زورمند  
بکنند و کردند با خاک پست      همه گلشن و باغ و جای نشست  
هر آن کس که در سیستان بد سران      به فرمان سالار صاحبقران

از نظر مکتب کینهاگ امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آن ها از مقاصد یکدیگر مربوط است (افتخاری، ۱۳۸۱ ص ۳۲۵-۳۲۰) بعد مرگ تیمور ملک قطب الدین حاکم سیستان به محل امارتش بازگشته و با شاهرخ باب مصالحه می گذارد اما این صلح دیری نپائید و موجب نبردی میان آن دو گشته و ملک قطب الدین بدلیل ضعف نظامی و خیانت یکی از اهالی سیستان شکست می خورد. در شجره الملوک در باب "مرخص شدن ملک قطب الدین از خاقان مظفر لوا، شاهرخ میرزا و آمدن به سیستان و محاربات که میان او و شاهرخ میرزا واقع شد". بطور مفصل غارتگری و کشتار و تخریب اماکن و منابع آبی توسط شاهرخ را توصیف می کند:

گلستان و ایوان بسی شد خراب      که دیگر ندید آن نوا را به خواب

بعد از مرگ شاهرخ در سیستان فردی به نام ملک معزالدین حسین حکومت سیستان (۸۵۹-۸۵۳ق) را در دست می گیرد و اعلام استقلال می نماید. بابر میرزای تیموری (۸۵۳-۸۶۱ق) در نبردی حاکم سیستان را شکست داده و با قتل و غارت در سیستان بسال ۸۵۹ق حکومت مستقیم تیموریان در

سیستان را اعلام می‌کند و اهالی سیستان به مانند سابق حاکم غیرسیستانی را نپذیرفته و این مسئله موجب ایجاد آشوب و ناامنی و جنگ‌های طولانی فرسوده شده بود. (دهمرده، ۱۳۸۰ ص ۱۱۰-۱۰۵)

## نتایج

هدف محققان در این پژوهش بررسی پیامدهای انواع ناامنی ایلغار مغولان و تیموریان در سیستان براساس نظریه‌ی امنیتی کپنهاگ می‌باشد. از نظر این مکتب امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی (فرهنگی و قضایی و ملی) و زیست محیطی. به طور کلی، امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند. هر یک از آن‌ها دارای کانون مهمی در درون مساله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده و از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند.

حال با توجه به مباحث فوق در بررسی ابعاد ناامنی در سیستان ناشی از ایلغار مغولان و تیموریان عبارتند از: از بین رفتن نظام حاکمیت محلی و سیستم اداری سیستان، نابودی سیستم آبیاری و آب-رسانی، از بین رفتن شیوه آبیاری حشر، تخریب چاه‌ها و قنات‌ها، نابودی مزارع و باغات، تبدیل مزارع کشاورزی به مراتع و چراگاه دام‌ها، مهاجرت منابع انسانی و نیروی تولید، سلب امنیت سیاسی، اجتماعی و معیشتی، شیوع بیماری‌های واگیردار و با و طاعون، تخریب راه‌های تجاری و کشاورزی، ساختار سیاسی مبتنی بر نظام استبدادی، بی‌ثباتی در مالکیت زمین، نبود هماهنگی در

## نمود پیامدهای ناامنی ایلغار مغولان و تیموریان در سیستان براساس نظریه ی ..... .

مدیریت آبیاری ، اخلال در ساختار تولید، ابزارها و مناسبات تولیدی، قرارگرفتن سیستان در مناطق کم آب و خشک جهان توام با خشکسالی های پیاپی، وجود پدیده های طبیعی ریگ روان و برخان-ها، وزش انواع بادهای مخرب در سیستان، دوری از شبکه های اصلی راه های اصلی و دریایی و مشکل حمل و نقل، اختلاف داخلی میان قبایل ، تعیین نظام مالیاتی اجباری بدون در نظر گرفتن تولید و درآمد مردم سیستان. در مقایسه میزان و نوع خسارات ایلغار مغولان و تیموریان می توان گفت: آسیب و تخریب تیمور در ابعاد وسعت سرزمینی و تخریب زیست محیطی ، گسترش انواع ناامنی سیاسی و اجتماعی وحشتناکتر و ویرانگرتر از مغولان بوده است حال با توجه به یافته های تحقیق جمع بندی و خلاصه نتایج به شرح جدول زیر ارائه می شود:

شکل ۲: تحلیل تهدیدات امنیتی توسط مغولان و تیموریان براساس مکتب کپنهاگ

ردیف	ابعاد امنیت	شرح ابعاد مختلف امنیت براساس مکتب کپنهاگ و تطبیق آن با شاخص- های ناامنی در ایران در اثر ایلغار مغولان و تیموریان
۱	اجتماعی	بحث امنیت اجتماعی توانایی انجمن ها و سازمان ها را در شکل دهی زبان، فرهنگ، مذهب و رفتارهای ملی در نظر می گیرد. (صفوی، ۱۳۸۱ص ۳۳). حاکمان مغولی و تیموری با کوچ اجباری منابع انسانی، رواج دروغ، ربا، مفاسد اخلاقی، گماشتن افراد نالایق در امور مهم جامعه، بهادادن به خربندگان و اوباشان امنیت اجتماعی را مختل کرده بودند.
۲	سیاسی	امنیت سیاسی، بحث ثبات سیاسی و سازمانی کشورها و سیستم حکومتی و همچنین آن ایدئولوژی که به آنها مشروعیت می دهد را در مورد توجه قرار می دهد (صفوی، ۱۳۸۱ص ۳۱). مغولان و تیموریان با تبعید حاکمان محلی، گماشتن افراد بی کفایت در راس امور، رکود خردگرایی، رشد اندیشه خرافاتی و تقدیرگرایی، نبود امنیت جانی و شغلی، نیست و نابود کردن هرگونه حیات سیاسی شهرهای مغلوبه و عناصر سه گانه قدرت (شرع، خون و مالکیت) امنیت سیاسی مردم ایران را دچار اختلال نموده بودند.

۳	نظامی	<p>امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌هایی تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است (دهمرد، ۱۳۹۰ص ۷۷) مغولان و تیموریان با سرکوب حکومت‌های محلی و ونابودی منابع نظامی شهرهای ویران شده، ایجاد سپر انسانی از اسیران، سربازگیری اجباری و تعیین حق علفه برای عبور لشکریان موجب سلب امنیت نظامی مردم شده بودند.</p>
۴	زیست محیطی	<p>در رویکرد نوین جهانی به موضوع امنیت، تهدیداتی که ناپایداری، تخریب محیط زیست، توزیع نامناسب و محدودیت در برخی منابع زیست محیطی می‌تواند بر حوزه امنیت ملی کشورها ایجاد نماید از جایگاه و اولویتی ویژه برخوردار است. (رنجبر حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵:ش ۲۱ص ۱۹۹) نابودی زیست بوم، روستاها و شهرها، کشتار گروهی، نسل‌کشی و آتش زدن جانوران و گیاهان و تخریب چشمه‌ها و سدها توسط مغولان و تیموریان هرگونه امنیت زیست محیطی را نابود نموده بودند.</p>
۵	اقتصادی	<p>مراد از امنیت اقتصادی، برقراری عدالت اقتصادی در جامعه است. عاملی که نابودی امنیت اقتصادی را به دنبال خواهد داشت، انحصارطلبی و توزیع ناعادلانهٔ اموال است که ریشه در حس زیاده طلبی و افزون خواهی ثروتمندان دارد (بهداروند، ۱۳۸۰ص ۲۵) نابودی مزارع، تخریب نظام آبیاری، تعیین انواع مالیات، بیگاری گرفتن شهروندان، مصادره اموال و گسترش ربا و رباخواری توسط مغولان و تیموریان امنیت اقتصادی در بلند مدت دچار اختلال شده بود.</p>



خلاصه اینکه، در حملاتی که بر تمام نواحی شرقی ایران و ماوراء النهر در نوبت اول یعنی تا بازگشت چنگیز صورت گرفت هر جا که آباد و بارونق بود، جز بعضی نواحی و آبادی‌های محدود و محدود، دچار قتل و غارت و نهب و ویرانی شد. مغولان و تیموریان درین حملات از کشتار جمعی، نسل‌کشی، غارت اموال، دریدن شکم، مثله کردن، شکنجه دادن، خراب کردن، گاه تسطیح شهرها، بی‌عصمتی‌ها و نامردمی‌ها به هیچ روی خودداری نداشتند و به منزله درندگانی بودند که در گله‌های گوسفند و آهو درافتادند و بر هیچ یک ابقا نکنند. تواریخی که درباره این هجوم بزرگ قریب به همین واقعه نوشته شد همه پراست از ذکر جنایات و فجایع اعمال وحشیان مغول و تاتار؛ و بی‌تردید این واقعه فجیع‌ترین وقایعی بود که تا آن هنگام در تمام تاریخ ایران رخ داد و بعد از آن هم هیچگاه نظیری نیافت.

#### منابع

۱. آشتیانی، عباس اقبال، (۱۳۷۶). "تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری" جلد اول و دوم، تهران: نارمک.
۲. آیتی، عبدالحمید، (۱۳۴۶). "تحریر تاریخ و صاف"، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۳. اشراقی، احسان و شادپور، حسن، (۱۳۸۹ دی). "بررسی نظام مالیاتی ایران در عصر ایلخانی با تکیه بر گزارش‌های کتاب نزهه القلوب حمدا... مستوفی قزوینی"، فصلنامه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، ش ۱۹ دوره ۵.
۴. الهروی، سیف‌الدین محمد یعقوب، (۱۳۸۵). "تاریخ نامه هرات"، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: اساطیر.
۵. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۱). "مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی"، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. اوحدی، رکن‌الدین، (۱۳۴۰). "کلیات اوحدی اصفهانی"، تهران: امیرکبیر.
۷. انصافی‌پور، غلامرضا، (۱۳۷۶). "ساخت دولت در ایران (از اسلام تا یورش مغول)"، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. انوار، قاسم، (۱۳۹۸). "دیوان اشعار"، تصحیح حسن نصیری جامی، تهران: مولی.

۹. بارتولد، واسیلی ولادیمیر، (۱۳۸۵). "گزیده مقالات تحقیقی"، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۰. بویل، جان اندرو، (۱۳۸۹). "تاریخ کمبریج"، ترجمه تیمور قادری، ج ۵، تهران: نشر مهتاب.
۱۱. بویل، جان اندرو، (۱۳۶۶). "تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان ج ۵"، ترجمه حسن انوشه، تهران: نشر امیرکبیر.
۱۲. بوزان، باری، (۱۳۸۰). "تحول در مفهوم امنیت بین المللی و امنیت بین المللی"، ترجمه بابک خیبری، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، س ۱، ش ۳ و ۴.
۱۳. بهداروند، مهدی، (۱۳۸۰). "امنیت از دیدگاه امام علی (ع)", فصلنامه دانش انتظامی، ش ۱.
۱۴. پناهی سمنانی، (۱۳۷۶). "سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه: تندیس دلیری و استقامت"، بی‌جا: نشر ندا.
۱۵. پطروشفسکی، آی پی، (۱۳۵۷). "کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول"، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات نیل.
۱۶. تاجبخش، احمد، (۱۳۸۱). "تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه"، شیراز: انتشارات نوید.
۱۷. ترکمان، اسکندر بیک، (۱۳۵۰). "عالم‌آرای عباسی"، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۱۸. تهامی، سیدمجتبی، (۱۳۹۰). "امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی"، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران
۱۹. جمعه‌پور، محمود و محمودرضا، میرلطفی، (۱۳۹۱). "نقش دانش‌بومی و کارکرد نظام سنتی مدیریت مشارکتی منابع آب در معیشت پایدار روستایی مورد مطالعه: گروه‌های بزرگ کاری لایروبی کانال‌های آبیاری حشر در سیستان"، مجله علوم اجتماعی علامه طباطبایی بهار ۹۱، ش ۵۶.
۲۰. جوینی، علاء‌الدین عطا ملک بن بهاء‌الدین محمد بن محمد، (۱۳۸۵). "تاریخ جهانگشای جوینی"، مصحح: محمد قزوینی و سید شاهرخ موسویان، تهران: دستان.

۲۱. حاجی مرزدارانی، مرتضی وهمکاران، (۱۳۹۵). "بررسی تاریخی ناامنی‌های عهد مغول و نقش آن در انحطاط اخلاقی ایرانیان"، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا سال ۲۲، ش ۱۵، پیاپی ۱۰۳.
۲۲. حسینی تربتی ابوطالب، (۱۳۴۲). "تزوکات تیموری"، تهران: انتشارات اسدی.
۲۳. دهمرده، برات، (۱۳۸۰). "ملوک مهربانی سیستان در برخورد با جانشینان شاهرخ تیموری"، علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان شهریور ۱۳۸۰ شماره ۱۵.
۲۴. دهمرده، معصومه، (۱۳۹۰). "بررسی و تحلیل چالش‌های سیاسی-امنیتی مرزهای استان سیستان و بلوچستان"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
۲۵. راوندی، مرتضی، (۱۳۵۴). "تاریخ اجتماعی ایران، جلد دوم"، تهران: انتشارات سپهر.
۲۶. رضایی، عبد العظیم، (۱۳۷۸). "گنجینه تاریخ ایران، جلد یازدهم"، تهران: انتشارات اطلس.
۲۷. رنجبرحیدری، وحید و ابراهیم جمشیدی، (۱۳۹۵). "بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست محیطی ایران"، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی سال ششم، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۲۱.
۲۸. زیبا کلام، صادق، (۱۳۸۶). "ما چگونه ما شدیم؟"، تهران: روزنه.
۲۹. صفا، ذبیح‌ا...، (۱۳۷۸). "تاریخ ادبیات در ایران"، تهران: نشر فردوس.
۳۰. صفوی، سید محسن، (۱۳۸۱). "مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران"، دانشگاه امام حسین (ع).
۳۱. ساسان، عبدالحسین، (۱۳۶۴). "اقتصاد و جایجاگردی"، اصفهان: نشر واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر جهاد دانشگاهی.
۳۲. سیستانی، محمداعظم، (۱۳۶۶). "سیستان سرزمین ماسه و حماسه‌ها"، ج ۲، سیستان بعد از اسلام، مرکز علوم اجتماعی انستیتو تاریخ و اتنوگرافی کابل.
۳۳. سیستانی، ملک شاه حسین، (۱۳۴۴). "احیاء الملوک"، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: نگاه ترجمه و نشر.

۳۴. شجره الملوك، (۱۳۸۶). "تاریخ منظوم سیستان، شاعران: صبوری، ناصح و ظهیر (قرن ۱۳)"، محقق / مصحح: منصور صفت گل، تهران: میراث مکتوب.
۳۵. عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۲)، "نظریه های امنیت"، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ایران (معاصر)،
۳۶. عدالت، عباس، (۱۳۸۹). "فرضیه فاجعه زدگی: تاثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی، اجتماعی و علمی ایران"، بخارا، ش ۷۷ و ۷۸.
۳۷. علمداری، کاظم، (۱۳۸۸). "چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت"، تهران: نشر توسعه.
۳۸. فرغانی، سیف، (۱۳۶۶). "دیوان سیف فرغانی". به تصحیح ذبیح الله صفا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. فریومدی، ابن یمن، (بی تا). "دیوان اشعار ابن یمن"، تهران: کتابخانه سنایی.
۴۰. فضل ...، همدانی، رشیدالدین، (۱۳۷۳). "جامع التواریخ"، به تصحیح و تحشیه، محد روشن - مصطفی موسوی، ۳ جلد، تهران، البرز، ۱۳۷۳.
۴۱. کمبریج (۱۳۷۹). "تاریخ تیموریان به روایت کمبریج"، ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات جامی.
۴۲. کنارودی، قربانعلی، (۱۳۸۷). "نظام مالیاتی مغولان و تأثیر آن در انحطاط و زوال شهرهای ایران"، مجله پژوهش نامه تاریخ، س ۳، ش ۱۲.
۴۳. لبافی، حسین، (۱۳۸۴). "بررسی آسیب های امنیتی شهر دماوند"، فصلنامه دانش انتظامی، س ۷، ش ۲.
۴۴. لمبتون، آ.ک.س، (۱۳۶۳). "سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام"، ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۵. لمبتون، آ.ک.س، (۱۳۸۲). "تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران"، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نی

۴۶. منظمی تبار، جواد، (۱۳۸۵). " نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی "، فصلنامه دانش انتظامی، س ۸، ش ۱.
۴۷. نعمتی لیمایی، امیر(دی ۱۳۹۵). " فراز و فرود فرهنگ ایران در تقابل با فرهنگ مغول "، فصلنامه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، ش ۴۳ دوره ۱۱.
۴۸. نسوی، شهاب الدین محمد خرندزی زیدری، (۱۳۹۴). " سیرت جلال الدین منکبرنی "، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۴۹. نظامی باخرزی، عبد الواسع، (۱۳۷۱)، "مقامات جامی، گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان"، به تصحیح و مقدمه نجیب مایل هروی.. تهران: انتشارات نی.
۵۰. نوری، غلامرضا و همکاران، (۱۳۸۶). " تالاب هامون حیات سیستم "، نشر سپهر.
۵۱. واله اصفهانی قزوینی، محمدیوسف، (۱۳۷۹). " خلدبرین (تاریخ تیموریان و ترکمانان) "، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.
۵۲. ولیدی، صالح، (۱۳۷۸). " بررسی و تبیین مفاهیم نظم، امنیت و آسایش عمومی و فردی "، تهران: فصلنامه دانش انتظامی ش ۲.
۵۳. یزدان پرست؛ حمید، (۱۳۹۰). " فرجام و پیامد ایلغار مغول "؛ کیهان سیاسی- اقتصادی.
۵۴. یزدی، مولانا شرف الدین علی، (۱۳۳۶). " ظفرنامه "، تهران، امیرکبیر.
۵۵. هال، مری، (۱۳۸۰). " امپراتوری مغولان "، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس.